

## عرفان مانویت در متن عرفانی «دومار» در سرزمین سغد فرناز هوشمند رجبی<sup>۱</sup>

### چکیده

در ادبیات غنی و گسترده‌ی ایران، ادبیات سغدی مانوی، از زیبایی خاصی برخوردار است. داستان دومار، تمثیل زیبایی است متکی بر اصول آیین مانوی. این تمثیل با توصیف دومار، یکی «سنگین بار» و دیگری «سبک بار» از تعلقات دنیوی، تفکری عرفانی را با کلامی ساده بیان می‌کند. این تفکر به تدریج گسترش می‌یابد و ادبیات عرفانی را در ادیان ایران به وجود می‌آورد. در این مقاله تفاوت قطعات متون *a/b/c/d/*، از مجموعه‌ی داستان‌های سغدی مانوی (MSP) مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال آن به بررسی داستان تمثیل دومار (۱۳۶- b تا ۲۰۲- b) پرداخته خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** سغدی مانوی، ادبیات عرفانی، تمثیل

---

۱. دانشجوی دکتری رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مسئول مکاتبه: [farnaz.hoshmandi@yahoo.com](mailto:farnaz.hoshmandi@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۰۲ تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۵/۰۸

مقدمه

بخشی از تاریخ سغدیان، یعنی ناحیه ای در امتداد زرافشان و کشک دریا (بخشی از ازبکستان و تاجیکستان امروزی)، تقریباً ناشناخته است. سغدیان یکی از ساتراپی (=شهربان نشین) های شاهنشاهی هخامنشی و مرکز آن در حدود شهرهای سمرقند و بخارا ( در ازبکستان امروزی) بوده و در سده ی چهارم پیش از میلاد به دست اسکندر مقدونی تسخیر شده است. پس از آن گاه زیر فرمان و گاهی زیر نفوذ حکومت های مجاور، نظیر شاهنشاهی کوشان ( در سده های یکم و دوم میلادی)، شاهنشاهی ساسانیان (سده ی سوم میلادی)، فرمانروایی هپتالیان/ هیاطله(سده های پنجم و ششم میلادی)، ترک های غربی (سده های ششم و هفتم میلادی) و چینیان (سده های هفتم و هشتم میلادی / یکم و دوم هجری) اداره شده است. با وجود این، به نظر می رسد، تا پیش از چیرگی اعراب در سده ی هشتم میلادی (دوم هـ) بر آن ناحیه، از استقلال نسبی در حکومت برخوردار بوده است (زرشناس، ۱۳۸۷: ص ۱۲-۱۳).

سرزمین سغد و تاریخچه ی آن در دولت ساسانی

در اواسط سده ی سوم میلادی، در زمان سلطنت شاپور اول، به گواهی کتیبه ی معروف او در کعبه ی زردشت، سغد قسمتی از شاهنشاهی ساسانی شد. احتمالاً تا سده ی پنجم میلادی نفوذ ساسانیان، به خصوص در شهرهای غربی سغد مانند بخارا، کم و بیش باقی ماند و احتمال می رود که بعد از فتوحات بهرام دوم نیز در سال ۲۸۴ میلادی سغد و خوارزم زیر سلطه ی ساسانیان قرار گرفته باشد. در این دوره است که دین مانی و مسیح به این دیار راه یافت و همراه با دین زردشتی و بودایی و آیین های محلی و پرستش خدایان کهن، مجموعه ای از فرهنگ های دوران خویش را متجلی کرد که همراه با شکوفایی اقتصادی بنیان گذار هنر مخصوص سغدی شد.

مهاجران سغدی که به سوی شرق رهسپار شده بودند، در طول شاهراه آسیای مرکزی و استپ های شمالی سکنی گزیدند و برای برقراری و ثبات و امنیت جاده ی ابریشم در زیر چتر قدرت نظامی چین تلاش می کردند، اما نفوذ فرهنگی شان تا قلب امپراتوری چین می رسید. در حقیقت یک راه سغدی از سمرقند تا دیوار چین بنیان گذاری شده بود. و از همین راه تجاری بود که دستاوردهای هنر ایرانی، مانند فرش، انواع منسوجات و سنگ های قیمتی و ....، به چین می رسید و ابریشم چین که در ایران به صورت زربفت در می آمد، دوباره به صورت کالاهای مورد علاقه ی درباریان به چین باز می گشت (قریب، ۱۳۸۳: ۱۵).

## سغدی، زبان میانگان

بازرگانان سغدی در طول دوران استقلال نسبی سغد، در امتداد جاده ی ابریشم، میان چین و غرب نقش بسیار فعالی در بازرگانی و دادو ستد داشتند. از این رو سغدیان در نواحی بین سغدیانه و چین مهاجر نشین های بسیاری بنا نهادند و زبان سغدی، در این نواحی، زبان میانگان برای انتقال کالاها و مفاهیم فرهنگی گشت. افزون بر این، مانویان و مسیحیان نیز ظاهراً از سده ی سوم میلادی به بعد، در پی گریز از آزار و پیگرد دولت ساسانی، باید مدتی را در آسیای مرکزی اقامت کرده و زبان سغدی را آموخته و آن گاه به جانب شرق، حتی تا شرقی ترین نقاط ترکستان چین و آن سوی مغولستان، گریخته باشند. در آغاز آن ها با تخاریان همسایه بودند و بدین سبب واژه های دخیل سغدی بسیاری در زبان تخاری نیز دیده می شود.

سغدیان از دیرباز بر دیگر فرهنگ ها اثرگذار بودند. آنان از دوران شاهنشاهی هخامنشی، یعنی زمانی که خط آرامی (سلف خط سغدی) خط رایج در قلمرو شاهنشاهی بود، با کتابت آشنا بودند. از این رو بر فرمانروایان خویش، که مردمانی خانه به دوش و جنگجو بودند، تأثیر فرهنگی ژرفی نهادند (زرشناس، همان: ص ۱۳).

در نتیجه ی این تأثیر فرهنگی بود که خط سغدی برای نگارش ترکی باستان، یعنی خط اویغوری، به کار رفته است. مقدسی در سده ی دهم میلادی (چهارم هـ) زبان سمرقند و بخارا را گونه ای از زبان فارسی می داند. از این رو به نظر می رسد که زبان سغدی در آن زمان در این نواحی از رواج افتاده باشد. اما مقدسی عبارت دیگری نیز با این مضمون دارد: سغد (یعنی ناحیه ی بین سمرقند و بخارا) دارای زبان مخصوصی است که به زبان روستاهای بخارا شباهت دارد. این عبارت حاکی از آن است که در آن زمان کاربرد زبان فارسی محدود به نواحی شهری بوده است. حتی به احتمال زیاد، تا سده ی شانزدهم میلادی، در روستاهای اطراف بخارا به زبان سغدی تکلم می شده است. زبان سغدی به تدریج جای خود را به زبان های فارسی و ترکی داد و گویشی که اکنون در دره ی یغناپ در ناحیه ی زرافشان (در تاجیکستان) رواج دارد، بازمانده ی یکی از گونه های زبان سغدی است (همان: ۱۴).

همچنین، سغدی ها در میان ترکان شرقی نفوذ فرهنگی عمیقی داشتند و کهن ترین کتیبه ی سغدی که در زمان حکومت ترکان شرقی در مغولستان پیدا شد (=کتیبه ی بوگوت) که مضمون بودایی دارد، بدان مفهوم است که زبان ترکی در سده ی ششم از نظر گسترش واژگانی چندان غنی نبوده است که بتواند مفاهیم دین بودایی را بیان کند (قریب،

همان: ۱۷). در سال ۷۶۲ میلادی، ترکان اویغوری شهر لویانگ چین را غارت کردند و در آنجا ماندند. فرمانروای ترکان نیز با سغدیان مانوی که در آن شهر بودند و از سال ۶۹۴ میلادی دین مانی را در چین رواج دادند، آشنا شد، و این خود نشان دهنده ی گرایش ترکان به دین مانوی بود (قریب، همان: ۱۷-۱۸). در دوره ی مانویت، اقوام مختلفی چون قبطیان، رومیان، ترکان و چینیان نیز به آن دین روی آوردند و نزدیک به ۸۰ سال دین مانی، دین دولت اویغوری بود (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸: ۶۴). سغدیان مردمی عامی و ناآگاه از جریان علمی و ادبی زمان خود نبودند و داستان های جالب سغدیان نمودار تلاش آن ها در آمیختن فرهنگ مردم آسیای میانه با فرهنگ ایرانی، یونانی و هندی است. افزون بر این، نقش آن ها در اشاعه ی هنر از ایران به چین و تکوین هنر اصیل آسیای میانه، برکسی پوشیده نیست (قریب، همان: ۱۷). علاوه بر داستان ها و تمثیل های سغدیان در دوره ی مانویت، از مجموعه ی نقاشی های مانی نیز می توان نام برد که در فارسی به «آرتنگ» یا «آرژنگ» مشهور بوده و تصاویر آن بهترین نمونه ی نگارگری است و این اثر که خود مشتمل بر داستان های تمثیلی فراوان است سر منشاء تاریخچه ی مینیاتور کنونی ما در ایران بوده که ابتدا به شمال کشور چین کشیده شده و پس از آن توسط مغول ها به عنوان نقاشی مانویت به ایران آمده است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۳۴۱).

آثار مکتوب بازیافته ی زبان سغدی بر حسب موضوع به دو گروه دینی و غیر دینی بخش می شود و زبان این آثار زبان سغدی است که در سمرقند بدان تکلم می شده است در میان بیشتر دست نوشته های سغدی که در طول جاده ی ابریشم، به ویژه از ناحیه ی تورفان و یکی از غارهای «هزاربودا» در دون هوانگ، به دست آمده اند و در سده های هفتم تا دهم میلادی (یکم تا چهارم هـ) نوشته شده اند، متن هایی دینی اند و به سه گروه:

۱. متن های سغدی بودایی (که بیشتر آن ها از اصل چینی و به زبان سغدی ترجمه شده و بزرگ ترین مجموعه ی متن های سغدی را پدید می آورند).
۲. متن های سغدی مسیحی (که تقریباً تمامی متن های مسیحی از صومعه ی مسیحیان نستوری در بولایق (در شمال تورفان) به دست آمده اند که توسط مبلغان مسیحی نستوری از زبان سریانی به زبان سغدی برگردانده شده اند. این مبلغان در زمان پادشاهی یزدگرد دوم ساسانی (۴۳۸-۴۵۷ م) از ایران به آسیای مرکزی کوچ کرده و به ترجمه ی آثار دینی خود از زبان سریانی به زبان سغدی پرداخته اند (زرشناس، همان: ۱۴-۱۶).
۳. متن های سغدی مانوی (که آثار متعددی از آن به زبان سغدی در دست است که برخی به خط مانوی و بیشتر آن ها به خط سغدی - اویغوری نوشته شده اند). این آثار از اصل فارسی

میانه و پهلوی اشکانی به زبان سغدی ترجمه شده اند و تعدادی از متن های متناظر آن ها به این زبان ها نیز در دست است. مجموعه ی دست نوشته های سغدی مانوی تورفان، توسط گروه های کاوشگر موزه ی مردم شناسی برلین در سال ۱۹۰۲ میلادی در چین کشف شد. این دست نویس ها در منطقه ی تورفان در استان سین کیانگ (شین جیان) کشف شده که بیشترین حجم این آثار ارزشمند مربوط به شهر باستانی خوچو (QOCO) بوده است (زرشناس، ۱۳۸۲: ۸۳-۸۷).

در بین دست نویس های بالا، تمثیل سغدی مانوی (MSP) است که پروفیسور زوندرومان آن را در سال ۱۹۸۵ میلادی به آلمانی ترجمه و منتشر کرده است. کتاب نامبرده شامل ۵ قطعه است که داستان دومار (سبک بار و سنگین بار) در قطعه ی ب، (سطرهای ۱۳۶ تا ۲۰۲) جای دارد. این تمثیل عرفانی مانوی به دو مار اشاره می کند که یکی به دلیل تعلقات دنیوی خود، «سنگین بار»، و دیگری به سبب رها شدن از مادیات «سبک بار» نامیده شده است، که در به مسئله ی عرفان مانویت در متنی عرفانی برخورد می کنیم.

### روایت دو مار

دومار در رابطه ای چنان عمیق نسبت به یکدیگر قرار دارند که قادر به جدا شدن از یکدیگر نیستند. یکی از مارها، راهی را درپیش می گیرد که گویی سرنوشت آن را طلب می کند، این مار در کمین دشمن است. او چنان از حریم خود دفاع می کند و دام خویش را چنان خوب مخفی نگه می دارد که هیچ گونه فراری از آن امکان پذیر نیست. این مار کشته می شود و دشمن او سنگ مار مورد علاقه ی داخل سر این مار را تصاحب می کند. مار دوم به دنبال مار اول می گردد و او را بی جان می یابد. مار دوم اندوهگین می شود و در می یابد که فقط در صورتی قادر به ادامه ی حیات خواهد بود که دمش را از خودش جدا کند و این کار را هم انجام می دهد. درس اخلاقی این داستان، هدف های به شدت عرفانی را دنبال می کند.

## نتیجه گیری

مسئله ی عرفان در دین مانی در تمثیل دومار با ساده ترین نمایان است. در این تمثیل، صیاد اهریمن است که دام می‌گستراند تا روان انسان را بر باید و تنها مردم عارف و برگزیده اند که با گذشتن از دنیا و تعلقات آن، بدون از دست دادن روان خویش، سبکبار از روی این دام اهریمنی خواهند پرید تا آرامش ابدی را به دست آورند.

در این تمثیل، تفکری وجود دارد که به وضوح در ادبیات عرفانی گسترش می‌یابد و تبلور می‌پذیرد. ما با این ادبیات کاملاً آشنایی داریم و در آثار ادبی ایران، به خصوص در اشعار شاعران و عارفان، بارها و بارها به مسائل عرفانی بر می‌خوریم. جدایی از دنیا و آزادی از وابستگی های آن، انسان های وارسته ای را می‌سازد که ظهور آن ها در بین مردم، ضمن نقل داستان ها و تمثیل های گوناگون، تحسین می‌شود.

## کتابنامه

۱. ابوالقاسمی، محسن. ۱۳۷۸، *تاریخ مختصر زبان فارسی*، تهران، انتشارات طهوری.
۲. تفضلی، احمد. ۱۳۷۸، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران، انتشارات سخن.
۳. زرشناس، زهره. ۱۳۸۲، *زبان و ادبیات ایران باستان*، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۴. زرشناس، زهره. ۱۳۸۷، *دستنامه سغدی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. قریب، بدرالزمان. ۱۳۸۳، *فرهنگ سغدی*، تهران، انتشارات فرهنگان.